

چکیده :

تصمیم‌گیری فرایندی را تشریح می‌کند که از طریق آن، راه حل مسأله معینی انتخاب و اتخاذ می‌گردد. با توجه به این واقعیت برخی مفهومی تصمیم‌گیری و مدیریت را مترادف دانسته، و جوهره اصلی مدیریت را تصمیم‌گیری به حساب می‌آورند، در بررسی ابعاد مختلف مربوط به مدیریت، اهمیت شناخت فرایند اتخاذ تصمیم روشن می‌گردد و اولویت در تحلیل فرایند تصمیم‌گیری را مبرهن می‌شود.

در این مقاله، که با هدف بررسی نقش ارزشها در فرایند تصمیم‌گیری، بعنوان جوهره مدیریت راهبردی می‌باشد. سعی گردیده است فرایند تصمیم‌گیری از دیدگاه روانشناختی یا روانشناسی شناختی مورد بررسی قرار گیرد و از این رهیافت نقش ارزشها و ملاکها و معیارهای ارزشی اسلام و سکولار در فرایند تصمیم‌گیری و اتخاذ نتایج تصمیم مورد مقایسه قرار گیرد.

نتیجه این بررسی ما را به اهمیت و تاثیر انتخاب یک نظام ارزشی در مدیریت راهبردی بیشتر آشنا می‌کند.

با توجه به ماهیت موضوع مورد نظر، روش انجام تحقیق موردی زمینه‌ای، و با رویکرد تفسیری بصورت پیمایشی و آمیخته، و شامل متغیرها و داده‌های کیفی و کمی است. در قالب این روش چالشهای مدیریت راهبردی با ویژگیهای ارزشی، در دو مکتب اسلامی و غربی محک زده می‌شوند تا در نتیجه، نقش برتر ارزشهای والای اسلامی در اثر بخشی تصمیمات و رفع موانع و چالشها اثبات گردد.

کلیدواژه‌ها: ارزش، مدیریت راهبردی، چالشها، تصمیم‌گیری، ارزشهای اسلامی

مقدمه

روانشناسی انسان یکی از رشته‌های بسیار پیچیده علمی است از آن نظر پرداختن به آن نیاز به تفکیک و تقسیم موضوع آن به رویکردهای متنوع و متعددی دارد صاحب‌نظران تا کنون بیش از دوازده رویکرد برای بررسی عملکرد روانی انسان را مطرح نموده‌اند که ما در اینجا به علت ارتباطی که با مبحث شناخت داریم به رویکرد شناختی آن توجه می‌نمائیم.

بر اساس عقیده اورلیک نیسر "روانشناسی شناختی" به تمام پردازش هایی بر می گردد که به موجب آن ورودی های حسی تغییر شکل داده ، کاهش یافته ، بسط داده و ذخیره شده ، بازیافت و نهایتا استفاده می شوند. (نیسر، ۱۹۶۷، ص ۳۵).

بسیاری از افعال در جمله فوق، بعد معنایی از فعالیت های پردازشی اطلاعات ممکن در ذهن انسان را القا می کند. روانشناسی شناختی از آن جهت از رویکردهای دیگر علوم شناختی متفاوت است که بر پردازش اطلاعات در انسان متمرکز است. (در مقابل پردازش اطلاعات در ماشین یا حیوان). مانند متخصصین رشته های دیگر روانشناسی ، روانشناسان شناختی روش علمی را به عنوان ابزار اساسی در مطالعات اختیار می کنند. فرضیه ها به وسیله تجزیه و تحلیل داده ها آزمون می شوند که از آزمایشات کنترل شده به دست می آیند. در عین حال روانشناسی شناختی آزمایشات خود را با مدل سازی و شبیه سازی کامپیوتری تکمیل می کند. یک مدل ویژه پردازش اطلاعات از ذهن را می توان در کامپیوتر شبیه سازی کرد و پس از آن نتایج آن را با مطالعات انسانی مقایسه کرد. این یک فرایند تکراری و سینرژیک است. پارامتر های مدل کامپیوتر را می توان خالص کرد تا تطابق بهتری بین مدل کامپیوتری و داده های تجربی به دست آورد. جنبه هایی از شبیه سازی می تواند دیدگاه هایی را ارائه دهد که موجب می شود محققین بازنگری کرده و مطالعات جدیدی را طراحی کنند. تعریف مشخصات در رویکرد شناختی وسیله ای است که پردازش اطلاعات در انسان نشان می دهد.

این مقاله با هدف **مقایسه و تأثیر ارزشهای اسلامی در فرایند تصمیم گیری چالشهای نمونه از مدیریت راهبردی را میزان ارزیابی قرار داده و نهایتا ابعاد معنوی در این فرایند را مورد تأکید قرار می دهد**

سوال اصلی در این زمینه این است که **آیا جنبه های غیر مادی در فرایند تصمیم گیری نقش دارند و اگر اینچنین است چگونه در جهت تصمیم گیری بهتر موثر و اثر بخش می باشند؟**

بر اساس این سوال فرضیه تحقیق بر این اساس است که **عناصر و عوامل معنوی در مراحل مختلف تصمیم گیری وجود دارند و تأثیرات تعیین کننده و قابل ملاحظه ای را نشان می دهند**

مبانی نظری :

حس / تصور

انسان در اولین و ساده ترین شکل شناخت به حواس خود متکی بوده است و علت این امر در بیرونی بودن و تظاهر جنبه های مادی اجسام و پدیده هاست اما حواس فقط ابزاری برای تحریک عکس العملهای شناختی است و هر یک از حواس به تنهایی حتی نمی تواند تشخیص دهد که یک حس از محرک خارجی است یا داخلی بلکه این کار مربوط به قوه دیگری است که انسان بدان مجهز است .

هر نوع محرکی ابتدا به وسیله حواس پنجگانه به مغز منتقل شده و احساس را به وجود می آورد سپس آن محرک به وسیله روان به ادراک در می آید و پس از ادراک به وسیله روح عقل آموخته شده و نگهداری می شود . بنابراین انسان در اولین و ساده ترین شکل شناخت یافته های حواس خود را بعنوان اطلاعات یا داده های لازم که همان تصورات اولیه از واقعیات می باشند توسط حواس ۵ گانه به بخشی از ذهن منتقل می نماید

البته حدسیات نیز در این مرحله از طریق غیر محسوسات ۵ گانه تصوراتی را ایجاد می کنند که گاهی آن را حس ششم نیز می نامند .

درک / تصدیق

در اینجا ذهن تلاش می کند که بین این اطلاعات دریافتی، با مفاهیم و ادراکات قبل ارتباطی پیدا کند اگر ارتباط را یافت که در جایگاه تعریف شده ای که متکی بر آن ارتباطات است در حافظه جای می دهد و اگر ارتباطی نیافت برای آن ارتباطی را ایجاد و تعریف می کند تا بدین وسیله جایگاه آن مفهوم در حافظه مشخص شود .

عمل یافتن و یا ایجاد این رابطه ها در بین مفاهیم مختلف را درک یا تصدیق می گویند

ادراک، فرایندی است که به واسطه آن اطلاعات از محیط و دنیای اطراف توسط حس ها برای پردازش شدن دریافت می شوند . در ادراک ، اغلب تمرکز بر بینایی و سپس بر شنوایی است. در مطالعات توجه کمتری به حس های دیگر شده است. این سوگیری بدان علت است که بینایی پیچیده ترین عضو است و معمولاً به آن بیشتر اعتماد می کنیم . بنابر این خیلی از فرضیه های ادراکی صرفاً بر اساس پردازش های بینایی شکل می گیرند. در این مرحله چندین فرضیه گسترده در مورد بینایی انسان را بررسی می شود.

با این فرض که خیلی از کارهای نظری باقی مانده که باید برای حس های دیگر نیز انجام شود . یکی از عملکرد های اصلی سیستم بینایی باز شناسی الگو است.

عاطفه ها و مهر و محبتها نیز در همین مرحله شکل میگیرد ابیات زیر این مطلب را اذعان میدارد

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

از دل برود هر آنچه ازدیده برفت

بنابراین طریق دیگری که بر تصمیم گیری موثر است منشئیت حب و بغض است این عوامل نیز هم یک منشا خارجی دارند و هم در عین حال از معرفت نیز حاصل می شود و از طریق دل یا قلب عمل می کنند به این دسته از عوامل عواطف یا روانیات گفته می شود . محبت متعاقبا موجب شوق برانگیزی می شود و سپس به حرکت و اقدام می انجامد .

حافظه

تعریف بسیار عمومی حافظه عبارتست از ظرفیت نگهداری اطلاعات در طول زمان البته حافظه برای هر سیستم پردازشگر اطلاعات اعم از حیوان یا ماشین بسیار حائز اهمیت است ، زیرا حافظه پایه اصلی توانایی یادگیری است .در محیط پویا و در حال تغییر دنیای واقعی ، هر سیستمی که نتواند از اشتباهات خود درس بگیرد (بیاموزد) به زودی نابود می شود یا کنار گذاشته خواهد شد.حافظه این امکان را به ما می دهد که تجربیات گذشته مان را ذخیره کنیم و[اطلاعات جدید را روی آن سوار(ترسیم) کنیم .از این طریق ما می توانیم با موقعیتهای جدید بر اساس شباهتهایی که با تجربیات گذشته ما دارند روبرو شویم و دیگر لازم نیست که برای حل هر مسأله جدیدی خام و بی تجربه عمل کنیم. (فرزندنبرگ, ۱۳۸۷,ص۱۵۷).

فکر و ذهن

اکنون انسان برای استفاده از دانسته ها و اطلاعات خود از حافظه آنها را فراخوانی می کند و این مفاهیم و ارتباطات را بررسی می نماید تا به مفاهیم جدید و اطلاعات جدیدی دست یابد این فراخوانی را ذکر و یافتن مفاهیم و ادراکات جدید را فکر کردن یا تداعی می نامند . یا به عبارت مشهور : حرکت من المعلوم الی المجهول

ساده ترین محصول فکر وهم است و در واقع یک محصول میانی و یک محصول ناقص از فرایند تصمیم گیری است. از این نظر این محصولات اساساً برای استفاده و بکارگیری برای تصمیم گیری مناسب نیست و قابل اعتماد نمی باشند هر چند بعضی از انسانها در هر یک از مراحل تصمیم گیری این کار را می کنند و به همان اندازه که به این محصولات میانی ذهن اعتماد و ظن دارند کفایت می نمایند و یک تصمیم ناقص و ابتر را اتخاذ می نمایند چنانکه قرآن در مورد آنها می فرماید :

. ان يتبعون الا الظن : بسیاری از خرافات ، مشهورات و مقبولات در بین مردم از اینگونه تصمیم گیری های ناقص حاصل شده است .

خیال و وهم

دنت نشان داد که تصاویر ذهنی مبهم هستند. در حالی که تصاویر واقعی اینگونه نیستند. او به عنوان مثال یک ببر را مطرح کرد. تصویر یک ببر تعداد مشخصی از خطوط را دارد ، در حالی که تصویر ذهنی آن اینطور نیست . " ابهام " تصویر بینایی تلویحاً بیان می کند که آنها به صورت گزاره ای رمزگذاری شده اند. شاید یک توضیح زبانی مناسب برای بیان این ابهام استفاده از عبارت « تعداد کمی خط » باشد. تصویرگراها برای پاسخ به این سؤال مطرح کردند که تصاویر می تواند هر درجه ای از وضوح را داشته باشد. اگر یک تصویر از فاصله دوری دیده شود، جزئیات کمتری دارد و تا حدی شولیده به نظر می رسد. اما با استفاده از عملیات زوم می توانیم دقت تصویر را بالا ببریم و حتی در صورت لزوم تعداد خطوط را بشماریم. تأکید اخیر بحث حاضر بر این موضوع نیست که آیا این تصاویر ذهنی یا پردازش آنها وجود دارند یا نه ، بلکه تأکید بر این است که در چه تکالیفی و تحت چه شرایطی از این تصاویر ذهنی استفاده می شود. (فرزندبرگ, ۱۳۸۷, ص ۱۸۹) .

موهومات و مخیلات ومظنونات را می توان یک محصول واسطه در عملکرد تفکر دانست که اگر از مرحله بعد که تعقل است عبور نمودند نسبتاً قابل اعتماد می گردند و گرنه تصمیم گیری ابتر و باطیع نتایج آن نادرست انجام می گیرد.

این اطلاعات یا داده های اولیه همان تصورات از واقعیات می باشند شکل دیگری از این مفهوم خیال است که در بعضی از انسانها همین مرحله نیز آنقدر قوی و تواناست که هنرهای جالب توجهی را از خود بروز می دهد شعرهای نغز و نقاشیهای دلپذیر از جمله این محصولات قوه خیال است

الهام / بصیرت

تخیل اختراعی توسط ریپوت روانشناس فرانسوی اواخر قرن نوزدهم در تقسیم دو نوع دانسته انفعالی و ادراکی بیان گردیده است، تخیل اختراعی انفعالی همان است که واهمه به کار می بندد و تخیل اختراعی ادراکی که ترکیبات بدیع خود را به راهنمایی عقل صورت می بخشد و اختراعات واکتشافات علمی و مضامین بکر ادبی و آثار تازه صنعتی از آن نتیجه می شود. کمابیش همان است که بعضی حکمای پیشین قوه مفکره نام نهاده اند .

راجرز که مبتکر رویکرد درمانی معروف به درمان متمرکز بر خود است در بیان انسان با کنش کامل می گوید : اینگونه افراد هرگاه احساس کنند که انجام فعلیتی برای او با ارزش است آن را انجام خواهند داد و آموخته است که مجموع احساساتی را که نسبت به هر موقعیتی دارد از عقل او قابل اعتمادتر است هرچند چنین شخصیتی می تواند بر اساس تکانشهای خود (برانگیختگیهای آنی) عمل کند اما این گونه عملکرد او با توجه به نتایج و عواقب آن صورت می گیرد (ساعتچی, ۱۳۷۸,ص ۱۳۹)

طبق نظر (والاس, ۱۹۲۶,ص ۶۷) ، یادگیری بصیرتی در چهار مرحله رخ می دهد. مرحله اول آماده شدن است و شامل اکتساب و فهمیدن مسئله و همچنین تلاشهای اولیه برای حل آنست. مرحله دوم نهفتگی است، که در طی آن مسئله برای مدتی کنار گذاشته میشود. در خلال این مرحله تلاش آگاهانه ای برای یافتن حل مسئله وجود ندارد ، اما ذهن ناخودآگاه ممکن است در تلاش برای یافتن حل آن باشد و یا آنرا پیدا یافته باشد. در مرحله سوم جرقه زدن اتفاق می افتد. این همان جرقه درونی است، یک سری «آهان!» ، تجربه ای که در آن مرحله راه حل ناگهان به سطح خودآگاه می رسد. و سرانجام بازبینی است که در این مرحله بصیرت تایید شده و فرد بررسی میکند که آیا به یک راه حل صحیح دست یافته است. (فرندنبرگ, ۱۳۸۷)

برای آنکه این محصول فکر نیز کامل شود باید از قوه تعقل استفاده شود .

در این مرحله افاضه ها و هدیه هائی از خارج، انسان را کمک می کند که به تعبیری چون حس ششم ، الهام، اشراق ، و شهود مشهورند. و وحی مرتبه ای والا از این افاضه می باشد . که مخصوص اولیاء و پیامبران الهی است .

این نوع مدرکات انسان در فؤاد و قلب انسان جای میگیرد چنانکه هنگامیکه انسان خواب میبندد نیز از همین مدرکات استفاده میکند و در همین عالم سیر مینماید .

تعقل

ویژگی خاص قوه تعقل آن است که محصولات فکر را با مبانی ، ملاکها و معیارها مقایسه و ارزیابی می کند این مبانی شامل از طرفی شامل اصول بدیهی منطق و استدلال است که مورد قبول همه عقلاست و از طرفی شامل ملاکها و معیارهایی است که در این مرحله بر مبنای نظام ارزشی و اخلاقی مکتب مورد قبول فرد است که، خوب و بد ، درست و غلط و حق و باطل را برای فرد تعریف و تعیین می نماید . نمونه ای از این مکاتب اخلاقی عبارتند از احساسگرایی / عاطفه گرایی / لذت گرایی / قراردادگرایی / جامعه گرایی / تکلیف گرایی / ...

خداوند این ملاکها و معیارهای حقیقی را از ابتدا در قالب فطرت انسان به او تفضل نموده است و یا توسط پیامبران برای آنها تبیین نموده است، تا آنجا که انسان به آن تکیه کند درست و غلط، بد و خوب، و حق و باطل را می یابد و تا زمانی که این ملاکها و معیارها را با نظام و قاعده ای دیگر جایگزین و تعویض نموده است به راه درست هدایت می شود .

فرایند تعقل از بدیهیات یا اولیات شروع می شوند و با استفاده از مقدمات و تالی ها به مراتب منطقی به معقولات عمیق بشری می انجامند.

نهایتاً معقولات مورد وثوق انسان بعنوان اعتقادات وی شکل می گیرد و مبنای اعمال و رفتارهای او را بنا می نماید .

اما همیشه انسانها هر آنچه را که معقول میدانند عمل نمیکنند لذا بایستی به دنبال عامل دیگری نیز در انسان بود که موجب عمل می شود . بعضی صاحب نظران از این جنبه به گرایشهای انسان تعبیر می کنند یعنی آنچه که به علاوه عقل در تصمیم گیری و اراده انسان موثر است .

ضمیر و شاکله :

همانگونه که مفاهیم دارای رویکردهای و زاویه های نگرش مختلف می باشند انسانها نیز می توانند دارای نگرشها و گرایشهای مختلفی باشند .

رویکردها و شئون مختلف مفاهیم در واقع از شبکه دار بودن مفاهیم مربوط و اتصال با مفهوم اولیه نتیجه می شود

فرض کنید شخصی می خواهد از نقطه ای خارج از یک شبکه به نقطه ای در درون شبکه برود اگر قرار باشد که تنها از روی خطوط حرکت کند از چند راه این عمل ممکن است

نگرش ها و گرایشها در واقع از تنوع و پیچیدگی ارتباطاتی که مانند مثال فوق هر شخص برای یک مفهوم در ذهن خود دارد نتیجه می شود. و این ارتباطات با اشکال مختلف و بسیار زیاد در ضمائر شخص شکل گرفته است .

برای شناخت بیشتر ریشه نگرشها و گرایشها بایستی مفهوم ضمیر و شاکله را بررسی کنیم .

در مرحله تفکر هرچه مفاهیم و ادراکات بیشتر مورد فراخوانی قرار گیرد دارای ارتباطات بیشتری با سایر مفاهیم می شود و جایگاه آن ثبات بیشتری می یابد چنانکه بتدریج دارای ساختاری مشخص و مدلی قابل درک و قابل انتقال به دیگران می گردد . در این صورت مفاهیم به تدریج به ضمائر منتقل می گردند ضمائر در واقع رسوبات ادراکات با کاربردهای بیشتر است که موجب یک نوع ثبات ساختاری در ادراکات انسان می شود به این ساختار تشکیل شده در این مرحله مدل ذهنی ، شاکله یا ضمیر نیز می گویند چنانکه در مراحل قبل بیان شد تفکر از ذکر ، تداعی و فراخوانی مدرکات انسان بمنظور یافتن مفاهیم جدید شکل می گیرد.

قرآن کریم از این مفهوم با کلمه شاکله نامبرده است . کل يعمل علی شاکله

به تعبیر دیگر این پدیده به مراتب عمق ثباتی که برای فرد دارند، به مفاهیم حالات ، عادات و ملکه نیز تعبیر می شوند

اعمالی که حتی بطور ناخود آگاه (بدون تفکر) ممکن است از بعضی سر بزند بعلت ملکه شدن آن در فرد است شاید انگشتر بخشیدن حضرت علی (ع) در نماز از این گونه اعمال باشد . البته توجه شود که ناخود آگاه به معنی نبودن اراده نیست بلکه از اراده ای عمیق و تکرار و ذکر یک اراده حکایت می نماید .

ضمایر در سه حالت بیان شده اند ضمائر آگاه که دستیابی و کنترل آنها میسر و ساده است مانند منشا مناسک و برنامه هائی که بطور روزانه انجام می دهیم

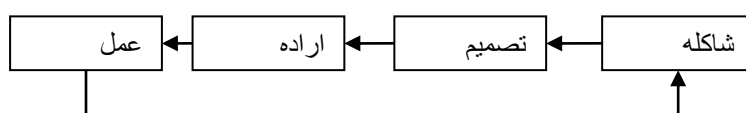
ضمایر ناخود آگاه که کنترل آنها میسر نیست مانند منشا طبیعی ضربان قلب و اعمال سیستم حفاظتی بدن در مقابل خطرات

ضمایر نیمه آگاه که دستیابی و کنترل آنها به سختی صورت می گیرد مانند منشا خلاف عادات عمل کردن , روزه گرفتن ، کنترل تنفس در زیر آب /

عوامل موثر در شکل گیری شاکله و ضمیر عبارت است از :

- لقمه
- نطفه
- عادت
- خلیقه
- رفقاء
- تربیت (پدر و مادر و استاد و معلم)
- جامعه(دوره و زمان و مملکت)

در واقع ضمیر مسیری است که اعمال انسان متقابلا بر شکل گیری اراده و تصمیم بعدی تاثیر می گذارد .



نفس لوامه نیز در این راستا و در این زمینه تاثیر دارد . یعنی اگر رفتاری خلاف ضمیر و شاکله انسان بود با آن مقابله و مواجهه می نماید و سعی می کند آن را تغییر دهد. اما قدرت بازدارندگی آن همیشه غالب نیست . چون در انسان قوه دیگری نیز هست که در تصمیم گیری وی موثر است و آن قوه انگیزه و اماره است .

انگیزه

فروید سه ساختار دیگر ذهن را شرح داد، که هر کدام از آنها، اصول کارکردی مختلفی دارند. نهاد که تکانه های ناخودآگاه و تمایلاتی مثل میل جنسی و گرسنگی را در بر می گیرد. بر اساس اصل لذت عمل می کند و سعی می کند که خیلی زود لذات مربوط به تمایلاتش کسب کند. فراخود مسئول حس اخلاقیات ماست. آن بر اساس اصل آرمانگرایی عمل کرده و افراد را تحریک میکند که مطابق آنچه که اخلاقی یا شایسته می پندارند عمل نمایند. خود نیز بین خواسته های نهاد و فراخود تعادل برقرار می نماید. که بر اساس اصل واقعیت عمل می کند ، و فرد را واداشته که به طریقی منطقی و واقعیت گرا عمل کند.

گاهی انسان مبتنی بر نیاز طبیعی و مادی خویش تصمیم گیری می نماید در این صورت این نیازها با محوریت یک نیاز تهییج شده میل و انگیزه فرد را برمی انگیزد و موجب تاثیر گذاری بر تصمیم فرد می شود نفس اماره از این طریق و در این مرحله عمل می کند.

خداوند برای سلامت شئون مادی انسان این قوه را در انسان به ودیعه گذاشته است . و زمانی این سلامت تضمین می شود که این نیازها بطور متعادل و میانه ارضا شوند و از هر گونه افراط و تفریط در آنها جلوگیری شود که موجب ضرر و اضرار است .

ارضاء غرائز/ حب جاه و مقام / مال دوستی / خود دوستی / رفاه طلبی / راحت طلبی / برتری طلبی / استعلا/ تفرعن/ از اینگونه انگیزه هاست که نهایتا موجب رفتاریات انسان می گردد

اینگونه انگیزه ها نیز برای هدایت و صلاحیت سنجی بایستی از طریق تعقل و مقایسه با معیارهایی که در مکتب ارزشی فرد توضیح داده شده مورد بررسی و انتخاب قرار گیرند .

بر این اساس مکاتب برای خود معیارها و ارزشهای خوب و بد یا حق و باطل را تعریف می کنند .

ویژگیهای نظام ارزشی و معیارهای ارزیابی ارزشها در یک مکتب عبارت است از :

شمول و فراگیری

ادعای ما این است که نظام ارزشی اسلام و همه مکاتب تحریف نشده ناشی از وحی، نظامی فراگیر، عام و شامل است. در بسیاری از مکاتب یا به صورت تفریطی مساله ارتباط انسان با خدا مطرح نمی شود و یا منحصرآ تمامی ارزشها را در ارتباط انسان با خدا مطرح می کنند و ارتباط با دیگران را ضد ارزش می دانند اما در اسلام تمامی ارتباطات مناسب و مفید مورد نظر قرار گرفته اند ارتباط انسان با خدا، با خلق، با خود، خانواده، جامعه و حتی روابط بین الملل ارزشهای ثابت و معینی دارند یعنی هیچ مساله ای از مسائل زندگی انسان نیست که تحت پوشش ارزشهای اخلاقی اسلام قرار نگیرد. این ویژگی را شمول و فراگیری می نامیم.[۶]

انسجام درونی

همان گونه که اشاره شد به مجموعه ای، نظام گفته می شود که تمامی اجزا و عناصر آن با یکدیگر ارتباط و انسجام داشته و همه آنها هدف واحدی داشته باشند در بسیاری از مکاتب اخلاقی چنین انسجام و پیوند درونی مشهود نیست مثلا در نظامهای متفاوت متغیرهایی از قبیل پول داشتن علم داشتن قهرمان بودن ... را به عنوان ارزش تلقی می کنند در حالی که بین آنها ارتباط و انسجامی مشهود نیست و تنها یک مجموعه ساختگی است اگر بتوان کتابهای متفرقه داخل یک کتابخانه را نظام یا سیستم خواند می توان این مجموعه نا همگون ارزشی را نیز نظام ارزشی دانست [۴].

منطقی بودن ارزشها

امروز یکی از مسائل جنجال برانگیز و زنده در محافل علمی فلسفه اخلاق این موضوع است که آیا ارزشها با واقعیات ارتباطی دارند یا نه اهمیت این بحث بدین جهت است که تبیین عقلانی ارزشها فقط زمانی ممکن است که بتوان رابطه بین ارزشها و واقعیتهای را کشف کرد زیرا عقل فقط واقعیتهای را درک می کند اگر ارزشها صرفا تابع قرارداد باشند، هیچ رابطه منطقی با هم ندارند و هیچ دلیل عقلی هم نمی تواند آنها را ثابت کند. تمایل فرد یا فرضا مجموعه افراد یک جامعه را که نمی توان با دلیل عقلی توجیه کرد.

مراتب داشتن ارزشها

یکی دیگر از ویژگیهای نظام ارزشی این است که ارزشها دارای مراحل و مراتبی هستند در حالی که در بسیاری از مکاتب اخلاقی امر بین ارزش داشتن یا نداشتن دایر است و ارزش را دارای یک مرحله می دانند مثلا در مکتب کانت اگر انجام کاری فقط برای اطاعت از حکم عقل و ندای وجدان باشد ارزشمند است، اما اگر اطاعت از حکم عقل همراه با ارضای عواطف باشد، دیگر ارزشی نخواهد داشت. بنابراین فداکاری مادر برای فرزندش از آنجا که برای ارضای عواطف مادر است عملی بی ارزش محسوب می شود، عاطفه مادری و رفتارهای ناشی از این

عواطف فاقد ارزش اخلاقی است در حالی که در دین مقدس اسلام هر یک از این رفتارها مرحله ای از ارزش را داراست .

مراتب ارزش اخلاقی در مکتب اخلاقی اسلام طیف وسیعی از ارزشها را شامل می شود که می توان برای آن مراحل را تا بی نهایت قائل شد در حالی که ارزشها در سایر مکاتب فقط در دو دسته یا در حد بسیار عالی و محدود یا در حد گسترده و یکسان برای همه مطرح میشوند . [۶]

روش شناسی

با توجه به ماهیت موضوع مورد نظر ، روش انجام تحقیق روش آمیخته بصورت موردی زمینه ای ، و با رویکرد تفسیری و تحلیل محتوی شامل متغیرها و داده های کیفی و مفهومی است .

نگارنده بایاری جستن از زحمات اساتید گرامی دکتر سیاوش خلیلی شورینی ، دکتر احد فرامرز قراملکی و محمد کاظم شاکر در تدوین کتابهای روشهای پژوهش آمیخته ، روش شناسی مطالعات دینی و مبانی و روشهای تفسیری روش مناسبی را بمنظور دست یابی به اهداف رساله اتخاذ نموده است که در فصل سوم رساله بطور مبسوط شرح داده شده است .

در این قسمت بطور اجمال به ویژگیهای عمده این روش تحقیق اشاره می گردد .

منبع اصلی حقایق و پایه های استنتاج، کلام وحی بعنوان منشا همه علوم می باشد.

بمنظور دستیابی به حقایق اصیل این منبع، به تفاسیر و بهترین نوع آن تفسیر قرآن با قرآن، مراجعه میگردد.

از آنجا که بهترین مفسران قرآن، عترت و اهل بیت می باشند مراجعه به روایات و احادیث در ذیل آیات مورد اعتصام ، از مهمترین منابع و مآخذ استنتاجات می باشد.

باتوجه به کاملاً تخصصی و فنی بودن مراجعه به منابع فوق بهره گیری از سخنان ، نوشتار و گفتگو پژوهشی و مصاحبه با علما و فقهای مبرز در این زمینه نیز هدایتی اساسی در دستیابی به حقایق دینی در این روش را باعث می گردد.

تحلیل محتوا نیز در راستای ارزش سنجی و تبیین مفاهیم مورد نظر نگارندگان، در مورد منابع فوق، بسیار موثر می باشد.

در روش تحقیق آمیخته و تلفیقی مبادی استدلال و استنتاج ریشه در کلام وحی، سنت و اجماع دارد که خود منشا کلیه علوم بشری است و با مراجعه به منابع اصیل کتاب و سنت ، تفاسیر قرآن با قرآن و قرآن با روایت و تحلیل منطقی مباحث از قول علما و فقهای دینی هدف تحقیق دنبال می گردد. [۱]

در این روش اساس منطق و تکیه گاه استدلال، بر پایه وحی نهاده شده است که منشئت همه علوم است و روش تحقیق و حقیقت یابی آن نیز متکی بر منابع چهارگانه قرآن ، سنت، عقل و اجماع میباشد.

روشها و روی آوردهای مختلف در حوزه مطالعات دینی را به صورتهای گوناگون تقسیم بندی کرده اند با توجه به غرضی صناعی (روش شناختی) می توان آنها را در یک طبقه بندی سه گانه گرد آورد درون دینی ، برون دینی ، و تلفیقی یا آمیخته هر یک از این سه قسم، تعریف و اقسام خاصی دارد

درروش آمیخته و تلفیقی با مراجعه به منابع اصیل کتاب و سنت ، تفاسیر قرآن با قرآن و قرآن با روایت و

تحلیل منطقی مباحث از قول علما و فقهای دینی هدف تحقیق دنبال می گردد. [۲]

در این تحقیق دو جامعه آماری وجود دارد یکی جامعه بصورت موضوعی و یکی جامعه بصورت مکانی، جامعه بصورت موضوعی (مطالعاتی)، عبارت از قرآن و نهج البلاغه، کتب تفسیر که بر مبنای روش تفسیر قرآن با قرآن علامه طباطبائی تدوین گردیده است و روایات در ذیل آیات که ارزشهای اسلامی از آن استخراج می شود، می باشد.

جامعه بصورت مکانی جایی است که این الگو می خواهد در آنجا بکار برده شود و باید قبل از بکار برده شدن این الگو از دیدگاه این جامعه مورد ارزشیابی قرار بگیرد جامعه هدف عبارت است از، جمعی از نخبگان و اساتید دانشگاهی با تخصص مدیریت راهبردی و علما، فقها و صاحب نظران در زمینه نظام ارزشی اسلام، با شرایط تعریف شده می باشند. نمونه گیری در این تحقیق از طریق نمونه گیری نظری صورت پذیرفته است [۱]

این تحقیق نیز از روی آورد تلفیقی و آمیخته، که بطور درون دینی و تحلیلی و منطقی انجام می شود، مسئله مدیریت راهبردی را بررسی نموده، دو دیدگاه مدرنیته و اسلام را مقایسه می نماید و ارزیابی نقش ارزشها را انجام می دهد و کارآمدی مکتب مبین اسلام را در برطرف کردن چالشهای عمده مدیریت راهبردی اثبات می نماید.

در این پژوهش توده ای از اطلاعات کیفی برای تفسیر گردآوری شده که ابتدا لازم است آنها به صورتی که به روشنی قابل فهم و انتقال باشند سازمان بندی و خلاصه شوند. این کار با کمک روش تحلیل محتوی بر متون معتبر و جامعی در موضوع رساله صورت گرفته است که غالبا این کار مفیدترین و در عین حال اولین قدم در سازمان دادن به داده ها و مرتب کردن محتوای مفهومی متون بر اساس یک ملاک منطقی است.

با عنایت به توضیحات فوق روائی و پایائی گردآوری ابزار گرد آورده ها بر اساس مبانی فقه و تفقه دینی می باشد

لازم به ذکر است که بر اساس تعالیم اسلامی، تأیید فرد یا افرادی با قدرت اجتهاد و فقاہت در دین، اثبات روش و نتایج فرضیه را کفایت می نماید.

در این تحقیق در واقع تاثیر ارزشها از طریق تحلیل محتوا و متن و مقایسه کارآمدی ارزشهای اسلامی و ارزشهای مکاتب سکولاریسم در برطرف سازی چالشهای انسان محورانه مدیریت راهبردی صورت می گیرد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده از خلاصه نمودن، توصیف و تفسیر متن، تحلیل محتوی و داده ها کمک می گیریم و از روشهای رایج در حوزه های علمیه در تفسیر قرآن با قرآن با روش آیت الله علامه طباطبائی و احادیث و روایات ذیل آیات استفاده می نمائیم

اطلاعات علمی مورد نیاز این تحقیق بصورت میدانی (مصاحبه، گفتار پژوهی، پرسشنامه و...) و با استفاده از مطالعات انجام شده در راستای رساله دکتری نگارنده گردآوری شده و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای تخصصی، سایتهای معتبر و آکادمیک و اسناد و مدارک دست اول با محوریت قرآن و نهج البلاغه و تفاسیر قرآن با قرآن و نتایج حاصل از رساله نگارنده، صورت گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

چالشهای مدیریت راهبردی

مدیران با تجربه، به خوبی آگاهند که مشکلات سخت افزاری آسان تر قابل تشخیص هستند و سریع تر قابل حل. در مقابل دیدن مشکلات نرم افزاری که ریشه در روان و جان انسانها دارد، دیدگان حساس می طلبد قلبی دلسوز و درایتی صبورانه، چرا که بندهائی که بر جان و دل تنیده شده است یک شبه گشودنی نیست و حل مشکلات فرهنگی زمان می طلبد.

نمونه هائی از این مشکلات که از زبان طرفداران و تئوری پردازان مکاتب مشهور در جهان نقل شده به شرح زیر می باشد:

یکپارچگی، هماهنگی و انسجام افراد و عناصر تشکیل دهنده جوامع و سازمانها بعنوان یک عامل اساسی در مدیریت حاصل نمی شود (کاپلان، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

اعتماد و اطمینان به مسیر بعنوان یکی از ضروریتهای اصلی بکارگیری منابع و امکانات وجود ندارد (دراکر، ۱۳۷۸: ۶۲)

اینکه از کدام قالبهای رفتاری بایستی متابعت نمود، کماکان مورد سوال مدیران و مسئولین است (دراکر، ۱۳۷۸: ۱۳).

تلاش در جهت تغییر رفتارهای جاری و روابط بین کارکنان که این نیز ضرورت راهبردها و نشان دهنده تجدید و توسعه در ساختار، سیاست و فرآیندهاست از موفقیت برخوردار نیست (کاپلان، ۱۳۸۴: ۲۲۸)

یک الگوی منسجم، پیوسته و یکپارچه برای اتخاذ تصمیمات وجود ندارد (جانسون، ۱۳۸۵: ۵).

مدیریت بر توانمندیها، نقاط ضعف و عکس العملهای خود وجود ندارد (دراکر، ۱۳۷۸: ۱۹۹)

انگیزه مدیران و کارکنان دارای ضعف است و بطور نا آشکار بر روند موفقیت تاثیر می گذارد (دراکر، ۱۳۷۸: ۲۲۳).

مقام معظم رهبری نیز در جای جای سخنان و نصایح گهر بار خویش به این چالشها هشدار اکید نموده اند که نمونه از آنها را می بینیم

ضعف در شناخت زمینه های تهاجم دشمنان:

مقام معظم رهبری می فرمایند: دشمن می خواهد جاپائی از خود به جا بگذارد و عقیده آنها (جوانان) را به انقلاب و دین و امام برگرداند حتی یک عده در این که این ملت استقلال می خواهند، خدشه می کنند یعنی درست همان خواست دشمن، یعنی تهاجم فرهنگی، مسئولین کشور این خود آگاهی

را لازم دارند تا بدانند دشمن از کجا دارد حمله می کند. اگر فهمیدند بیدار خواهند بود آنگاه شجاعت و تقوا و پاکدامنی آنها به کار این ملت خواهد آمد.^۱

در این چالش مدیریتی، بحث از قضاوت و تصمیم عقلانی و منطقی است که مبتنی بر شناخت و اطلاعات صحیح و استدلال و تجزیه و تحلیل آنها حاصل می شود.

توجه به سلسله مراتب اهداف و عاقبت اندیشی و آخرت بینی، تحمل همه دشواریها و ترویج ایثار و از خود گذشتگی را منطقی می نماید.^۲

اشرافیگری عامل کند شدن حرکت اجتماعی :

مقام معظم رهبری می فرمایند : قشر محروم مردم بلندگو و تریبون ندارند اما قشر مرفه و زرمند و زورمند هم از تریبون بنا حق استفاده می کنند هم هر جا بخواهند در بدنه ها اعمال نفوذ می کنند و کارشان را پیش می برند ولی آن قشر محروم زمین می مانند اهتمام اصلی دولت در همه سیاستهای اجرائی و بخشی باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد . این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می گیرد با این کار چقدر ما رفع محرومیت می کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می کنیم البته این کار چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر موثرند شما آنها را خیلی خوب می دانید

عزیزان من این نکته را در اینجا بگویم از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می کند نمود اشرافیگری در مسئولان بالای کشور است .^۳

در این چالش تاثیر نگرشهای قشری و زمینه های تمایل به اشرافیگی با تکیه بر گرایشهای درونی و مدل‌های ذهنی افراد که بعضا بصورت ناخود آگاهانه در تصمیم گیری موثر می افتد تبیین می شود .

عدم پایبندی به مبانی اعتقادی :/ تبعیت از مبانی مورد اعتقاد و باورها:

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری: تا وقتی مسئولان کشور به مبانی دین و اسلام و فقاقت پایبندند اینها کاری نمی توانند بکنند می خواهند این پایبندی را از بین ببرند هدف این است می خواهند همان تجربه که در صدر اسلام به وجود آمد دوباره تکرار کنند .

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم ۸۰/۱۰/۱۹

۲- مضمون فرمایشات رهبر معظم انقلاب در نشست الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۸۹/۹/۱۰

۳- بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۸۰/۶/۵

من واقعا به شما برادران و خواهران عزیز توصیه می‌کنم که با تاریخ آشنا بشوید تاریخ درس است از تاریخ خیلی درسها می‌شود آموخت و خیلی تجربه‌ها می‌شود به دست آورد عده‌ای سعی می‌کنند حوادث روزگار ما را یک حوادث استثنائی که به هیچ وجه از تاریخ قابل استفاده نیست وانمود کنند این غلط است. رنگهای زندگی عوض می‌شود روشها زندگی عوض می‌شود اما پایه‌های اصلی زندگی بشر جبهه بندیهای اصلی بشر تغییری پیدا نمی‌کند.^۴

من به دوستان از جمله به رئیس جمهور محترم قبلا این را عرض کرده‌ام که از چیزهایی که دشمن به طور جدی در کشور تبلیغ می‌کند مساله اباحیگری است اباحیگری اعتقادی و عملی یعنی پاییند و تقیدات و تکیه گاههایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می‌کند از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن این را باید جدی بگیرید یکی از سیاستهای دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها به انقلاب را سلب کنند چند سالی است که این را در تبلیغاتشان شروع کرده‌اند.^۵

در این فرمایشات نیز چالشهایی که به مسائل بنیادی و اعتقادی و باورهای عمیق انسان مربوط می‌شود اشاره گردیده است.

بنابراین چالشهای انسان محور در زمینه‌های سرمایه انسانی، با منشایت، انگیزه، تعقل، ضمائر ناخودآگاه و مبانی و باورهای افراد می‌تواند افزاز شود. بر این اساس این چالشها طبق آنچه که از مدل‌های روانشناسی شناختی و رفتار شناسی انسان که از طرف صاحب نظران در این زمینه ارائه شده است به سه عامل عمده انسجام، اعتماد، و مشارکت می‌انجامند.^۶

بنابراین ملاحظه می‌گردد که در اتخاذ یک تصمیم باورها و اعتقادات فرد که تعیین کننده همان معیارها و ملاکهای مقایسه‌ای در مرحله تعقل است نقش اصلی را ایفا می‌نماید

در واقع باور و ایمان به معنی قبول و اعتماد به همین معیارها و ملاکهاست به حدی که منجر به رفتار و عمل گردد.

^۴ - بیانات در دیدار با جوانان در مصلاى بزرگ تهران ۱/۲/۷۹

^۵ - بیانات در دیدار با جوانان در مصلاى بزرگ تهران ۱/۲/۷۹

^۶ - جهت توضیحات بیشتر به متن مطالعات گروهی دوره دوم مدیریت راهبردی تحت عنوان بررسی پیامدهای طرح هدفمند کردن بازارها در دولت نهم و دهم مراجعه شود.

اگر انسان از طریق میل و حس بطور میانبر عمل و رفتار کند دیگر متکی بر باورها نیست و این حالتی است که بسیار شبیه به حالات حیوانات است .

استقامت / پابندی و صبر در مقابل محرکات خارجی به میزان باور و ایمان فرد دارد که در مقایسه رخ داده بین تحریک خارجی و باورهای درونی ریسمان و ارتباط کدام یک استوارتر است .

هنگامی که یک تصمیم از یکی از طرق حس / فکر / عقل / میل / ضمیر / یا حب حاصل شد . انسان اراده به انجام کاری می کند تفاوت اراده با تصمیم تنها در مرحله دستور به مغز به اجرای فعالیت است .

گفتن / شنیدن / قبول کردن / رفتن / دست یازیدن / ... همه از اقداماتی است که متکی بر یکی از منشئیتهای فوق تصمیم گیری شده و سپس عزم و اراده گردیده است تا به عمل بیانجامد .

در یک تحقیق دورکیم به تدوین فرضیه ای می پردازد که بین میزان خود کشی و درجه به هم پیوستگی یک جامعه همبستگی وجود دارد . در این فرضیه دو مفهوم مطرح است میزان خودکشی و به هم پیوستگی جامعه دورکیم دین را به عنوان معیار ارزیابی به هم پیوستگی جامعه انتخاب می کند و از طریق ادبیات پژوهش به متغیرهایی چون آزاد اندیشی در دین (لکم دینکم ولی الدین) تعداد مقامات روحانی، خصلت قانونی بودن یا نبودن دستورات دین، نفوذ دین در زندگی و مناسک عمومی که قابل اندازه گیری کمی - کیفی هستند می پردازد و در انتها به این نتیجه دست می یابد که هر چه در جامعه ای دین موجب به هم پیوستگی باشد خود کشی کاهش می یابد.^۷

در این پژوهش نیز چالشها بعنوان معیار ارزیابی نقش ارزشها انتخاب گردیده و از طریق ادبیات پژوهش متغیرهایی چون اعتماد، انسجام و مشارکت که قابل اندازه گیری کمی - کیفی هستند می پردازیم و در انتها میزان نقش ارزشها در کارآمدی ارزشهای اسلامی در مدیریت راهبردی را مورد مقایسه قرار می دهیم .

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی عدم ارتباط قوی با خداوند است در این مورد ارزشی که اسلام بدان معتقد است ارتباط داشتن با خداوند در تمام موقعیتهای و وضعیتهای تصمیم گیری می

^۷ - محمد رضا حافظ نیا مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی - سمت - تهران ۱۳۸۲ ص ۶۹

باشد. چنانچه خداوند وعده داده است که آیات خود را به چنین افراد نشان خواهد داد آنها را در این راه یاری می نماید چنانکه می فرماید .

سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَا لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۳) فصلت ۸

به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! (۵۳)

مفاد آیه این است که: قرآن شما را به سوی خدا می‌خواند، و به بانک بلند اعلام می‌دارد که حق از ناحیه خداست، پس حد اقل، احتمال این را بدهید که در ادعای خود راست می‌گویید، چون همین که این احتمال عقلایی را بدهید، کافی است که به حکم عقل نظر کردن در امر آن برایتان واجب شود، زیرا عقل دفع ضرر احتمالی را هم واجب می‌داند، و چه ضرری خطرناکتر از هلاکتی ابدی که این قرآن شما را از آن هشدار می‌دهد؟ پس به حکم عقل دیگر معنا ندارد که به کلی از آن اعراض کنید. عن ابي عبد الله (عليه السلام) - في حديث - قال: «يقول الله تعالى:

سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْأَفَاقِ غَيْرِنَا أَرَاهَا اللَّهُ أَهْلُ الْأَفَاقِ؟». تأويل الآيات ۲: ۳۷ / ۵۶۶. چه نشانه ای بجز ما در آفاق وجود دارد که خداوند به آنها نشان دهد .

در مقایسه با ارزشهای موجود در مدیریت راهبردی غرب که مبتنی بر فلسفه ماتریالیستی می باشد ارزشی قابل مقایسه با این ارزش در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود ندارد^۹

یکی از چالشهای موجود در مدیریت راهبردی عدم شناخت واقعیات موجود می باشد در این مورد ارزشی که الگوی مدیریت راهبردی اسلامی بدان معتقد است این است که انسان بایستی در استفاده از ابزار شناخت نیز به خدا توکل کند و از هوا، میل و شهوت آنها را بدور نماید تا شناخت صحیح صورت گیرد چنانچه می فرماید :

^۸ - سوره القمر آیه ۴۹ / فصلت آیه ۵۳ / یونس ۶ / نحل ۲۰ و ۲۱ / نهج البلاغه خطبه ۲۲۷ / فاطر ۴۰ / حج ۱۲ و ۱۳ / ذخرف ۹ / یس ۳۶ / ماده / جاثیه ۲۴ / اصول کافی ج ۱ التوحید / حدوث العالم اثبات المحدث

ملك ۱۴ / نور ۱۹ / بقره ۲۱۶ و ۲۳۲ / نوح ۱۰ و ۱۲ / نسا ۱۳۴ / نحل ۷۴

صفات خداوند صفحه ۳۳۱ / یوسف ۳۹

^۹ - تحلیل محتوای کتاب جنگل استراتژی از هنری مینتزبرگ

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (٤٣)

أَمْ تَحْتَسِبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (٤٤) فرقان

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟! (٤٣)

آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌ترند! (٤٤)

کلمه "هوی" به معنای میل نفس به سوی شهوت است، بدون اینکه آن شهوات را با عقل خود تعدیل کرده باشد، و مراد از "معبود گرفتن هوای نفس" اطاعت و پیروی کردن آن است، بدون اینکه خدا را رعایت کند و خدای تعالی در کلام خود مکرر پیروی هوی را مذمت کرده و اطاعت از هر چیزی را عبادت آن چیز خوانده و فرموده: "أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي" (١).

فقال: التَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ درجات، منها أن تتوكل على الله في أمورك كلها، فما فعل بك كنت عنه راضيا، تعلم أنه لا يألوك (٣) خيرا و فضلا، و تعلم أن الحكم في ذلك له، فتوكل على الله بتفويض ذلك إليه، وثق به فيها و في غيرها.

در الگوی مدیریت غربی شناخت تنها در حیطه حس و تجربه مورد اطمینان است در حالی که این شناخت نیز هنگامی که تحت تاثیر هوا و شهوت قرار گیرد، بدون اینکه احکام خدا را رعایت کند، اطلاعات نادرستی را انتقال می دهد

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی بی توجهی به حد و مرز اسلامی است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد توجه به تذکرات، رعایت آنها و هم توصیه به دیگران برای توجه به این موازین است چنانچه در داستان قوم یهود برای توجه دادن ایشان می فرماید: ١٠

وَ إِذِ تَتَّقْنَا الْحَبْلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (١٧١)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آن چنان که گمان کردند بر آنان فرود می‌آمد (و در همین حال، از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم: آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده‌ایم، با قوت (و جدیت) بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید)، تا پرهیزگار شوید! (۱۷۱)

خدای تعالی می‌فرماید: " فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ " یعنی بعد از آنکه آن مواعظ را ندیده گرفته و هم چنان به گناه خود ادامه دادند

اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید و) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. (۱۶۵) اعراف

ایشان سه طایفه بودند یک طایفه هم امر پروردگار را پذیرفتند، هم دیگران را امر کردند و نجات یافتند، طایفه دیگر امر خدا را پذیرفتند و لیکن در باره دیگران سکوت کردند و در نتیجه مسخ شدند، طایفه سوم نه امر خدا را قبول کردند و نه کسی را امر به معروف نمودند و در نتیجه هلاک گردیدند (۲).

در الگوی مدیریت راهبردی غرب تنها رعایت قوانین و مقررات انسان ساز بعنوان ارزش محسوب می‌گردد ۱۱

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی کسب رضایتمندی گروه و جناح سیاسی خاص است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد توجه به رضایت خداوند نسبت به رضایت هر گروه و جناح است چنانکه می‌فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۲۴) توبه

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمی‌کند! (۲۴)

و مانع ایشان از این کار محبتی است که بغیر خدا و رسول و جهاد در راه خدا دارند، لذا خدای تعالی در این آیه اصول لذاتی که علاقه نفوس را به خود جلب می‌کند برمی‌شمارد، و آن اصول عبارتست از پدران، برادران، همسران و قوم و قبیله، و اینها کسانی هستند که طبیعت جامعه به قرابت نسبی نزدیک و یا دور و یا قرابت سببی در بینشان رابطه برقرار کرده، و جمعشان می‌کند. و اموالی که بدست آورده و جمع کرده‌اند و تجارتی که از کسادیش هراسناک می‌شوند، و منزلهایی که خوش‌آیندشان است، و اینها اصول دیگری است که قوام جامعه در رتبه دوم بر آنهاست.

آن گاه می‌فرماید: اگر مردم دشمنان دین را دوست داشته و محبت به این امور را بر محبت به خدا و رسول او و جهاد در راه او مقدم بدانند، باید منتظر باشند تا خدا امر خود را بیاورد، و خدا مردم فاسق را هدایت نمی‌کند. ۱۲

در حالی که در الگوی مدیریت راهبردی غرب اساساً رضایت مشتریان، سهامداران و صاحب سرمایه مهم است.

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی راحت طلبی و میل به سازش است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد تکیه به حمایت و پشتیبانی خداوند در امور است چنانکه می‌فرماید.

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۰۴) نساء

و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۰۴)

حال شما مسلمانان و طایفه کفار از نظر وجود ناراحتی یکسان است. همانطور که شما ناراحت می‌شوید آنها نیز می‌شوند، و شما حال بدتری از حال دشمنان خود ندارید، بلکه شما مرفه‌تر و خوشبخت‌تر از کفارید. برای اینکه شما از ناحیه خدایتان امید فتح و ظفر و امید مغفرت دارید. برای اینکه او ولی مؤمنین است و شما نیز از مؤمنین هستید. و اما دشمنان شما مولایی ندارند و امیدی که دلگرمشان کند از هیچ

۱۲ - سوره القمر آیه ۴۹ / فصلت آیه ۵۳ / یونس ۶ / نحل ۲۰ و ۲۱ / نهج البلاغه خطبه ۲۲۷ / فاطر ۴۰ / حج ۱۲ و ۱۳ / زخرف ۹ / یس ۳۶ / ماده / جاثیه ۲۴ / اصول کافی ج ۱ التوحید / حدوث العالم اثبات المحدث

ناحیه‌ای ندارند. و در نتیجه در عمل خود نشاط ندارند و کسی نیست که رسیدن آنان به هدف را ضمانت بکند، و خدای تعالی دانای به مصالح است. و در امر و نهی که می‌کند حکیم است.

اما در الگوی مدیریت غربی همه ی اتکا به انسان و تجهیزات مادی در دست او است،^{۱۳}

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی تک نوازی در پیشبرد سیاستها است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد مودت و دوستی و یاری در کلیه امور به برادر دینی است چنانچه می فرماید :

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۷۱) توبه

مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد خداوند توانا و حکیم است! (۷۱)

بعد از تذکر و بیان حال منافقین، حال عامه مؤمنین را بیان می‌کند و می‌فرماید: "مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند"، تا منافقین بدانند نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند، و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده‌دار می‌شوند. ۱۴

در الگوی مدیریت راهبردی غرب یکی از ارزشها پیوند بین کارکنان است^{۱۵} که بر اساس منافع مشترک فردی شکل می‌گیرد

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی فقدان استدلال منطقی در فعالیتهای است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد استفاده از عقل و شعور بر اساس منشا حکمت الهی (قرآن و سنت) است . چنانچه می فرماید:

^{۱۳} - کنت بلانچارد ، مدیریت بر مبنای ارزش ، ص ۳۹

^{۱۴} - / ۸ : ۷۴ / ۹ : ۷۱ / کلمات یاری / مودت

^{۱۵} - کنت بلانچارد مدیریت مبتنی بر ارزش ، ص ۴۲

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (٢٦٩) بقره

(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند. (٢٦٩)

حکمت به معنای نوعی احکام و اتقان و یا نوعی از امر محکم و متقن است، آن چنان که هیچ رخنه و یا سستی در آن نباشد، و این کلمه بیشتر در معلومات عقلی و حق و صادق استعمال می‌شود، و معنایش در این موارد این است که بطلان و کذب به هیچ وجه در آن معنا راه ندارد. ١٦. پس حکمت عبارت است از قضایای حقه‌ای که مطابق با واقع باشد، یعنی به نحوی مشتمل بر سعادت بشر باشد، مثلاً معارف حقه الهیه در باره مبدأ و معاد باشد، و یا اگر مشتمل بر معارفی از حقایق عالم طبیعی است معارفی باشد که باز با سعادت انسان سروکار داشته باشد، مانند حقائق فطری که اساس تشریحات دینی را تشکیل می‌دهد. " خدا حکمت را به هر کس که بخواهد می‌دهد" دلالت می‌کند بر اینکه در جمله مورد بحث، " دهنده حکمت" خدا است.

جهت دوم این بود که بفهماند حکمت به خودی خود منشا خیر بسیار است، هر کس آن را داشته باشد خیری بسیار دارد، و این " خیر بسیار" از این جهت نیست که حکمت منسوب به خدا است، و خدا آن را عطا کرده، چون صرف انتساب آن به خدا باعث خیر کثیر نمی‌شود، هم چنان که خدا مال را می‌دهد ولی دادن خدا باعث نمی‌شود که مال، همه جا مایه سعادت باشد. آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه به دست آوردن حکمت متوقف بر تذکر است، و تذکر هم متوقف بر عقل است، پس کسی که عقل ندارد حکمت ندارد.

در الگوی مدیریت راهبردی غرب تعقل انسانی، بدون معیارهای معارف حقه الهیه ارزش است

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی استفاده نکردن از فرصتها در انجام وظائف است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد استفاده از همه روزی های الهی است در تحت فرمان او و زیر نظر پیامبر (ص) چنانچه می فرماید :

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرِجُونَ تَجَارَةً لِنِجَاتِ لِقَاءِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرِجُونَ تَجَارَةً لِنِجَاتِ لِقَاءِ اللَّهِ تَبُور (٢٩) فاطر

١٦ - ٢٤٢/٢: ٢٦٩/٢: ٣ اولي الالباب / ٧: ١٩٠/٣: ٥٨/٥: ٢٢/٨: ٥٢/١٤: ٧٥/١٥: متوسمين ١٢٨/٢٠: اولي النهي ٤٦/٢٢: ٢٩/٣٨: ١٨/٣٩

کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی (پرسود و) بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند. (۲۹)

معنایش این است که: آنان که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند، و نماز را به استمرار انجام می‌دهند، هر چه می‌کنند به این منظور می‌کنند که خدا پادشاهایشان را به طور کامل بدهد، و چیزی از ثواب اعمال از ایشان فوت نشود.

و سپس می‌فرماید "وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ" - ممکن است مراد از این فضل و زیادت، دو چندانی ثواب باشد، هم چنان که فرموده: "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا" (۲)

وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷) حشر

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! (۷)^{۱۷}

امر آن را به رسول ارجاع داد، و معنای ارجاع دادن این شد که باید زیر نظر آن جناب مصرف شود. و این آیه با صرف‌نظر از سیاقی که دارد، شامل تمامی اوامر و نواهی رسول خدا (ص) می‌شود، و تنها منحصر به دادن و ندادن سهمی از فیء نیست، بلکه شامل همه اوامری که می‌کند و نواهی که صادر می‌فرماید هست.

در الگوی مدیریت راهبردی غرب فرصتها بر اساس بررسی عوامل محیط شناخته می‌شوند و در یک بستر رقابتی به هر شکلی که امکانات مادی میسر سازد مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی تفرقه رای بین مسئولین است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد روی آوری به توحید و یگانه پرستی است چون اسلام تفرقه را از شرک می‌داند. چنانکه می‌فرماید

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۳۲) روم

^{۱۷} - نمل ۱۷ / روم ۴۳ / لقمان ۱۶ / سجده ۶ / فاطر ۲۹ / حشر ۷ / فیل ۳

این باید در حالی باشد که شما بسوی او بازگشت می‌کنید و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید ... (۳۱) از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دل بسته و) خوشحالند! (۳۲) [نهی از تحزب و تفرق در دین که از صفات مشرکین و ناشی از پیروی آنان از اهواء خود است]^{۱۸}

" بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ، وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ " و بیان داشت که مشرکین اساس دین خود را بر هوی و هوس نهاده‌اند، و خدا ایشان را هدایت نمی‌کند، و هادی دیگری هم جز او نیست. و معلوم است که هوای نفس همه مردم یک جور نیست، بلکه به یک حالت هم ثابت نمی‌ماند، بلکه به اختلاف احوال مختلف می‌شود، و اگر چنین چیزی اساس دین باشد، معلوم است که دین با سیر هواها و پاپای آن سیر می‌کند، و با سقوط هواها و پستی آنها پست می‌گردد، و در این اشکال هیچ فرقی بین دین حق و دین باطل نیست، چون دین حق هم وقتی اساسش هوی باشد باطل است.

در الگوی مدیریت غربی هر فرد متکی بر رای خویش است و ملاک تصمیم مبتنی بر امیال و منافع فردی و گروهی است

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی عدم امانتداری و مسئولیت پذیری و تدبیر در امور است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد امانتداری در حق حکومت و ولایت است که مخصوص خداوند و جانشینان بر حق اوست چنانچه می‌فرماید :

* إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (۵۸) نساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزه‌های خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (۵۸)

^{۱۸} - یوسف ۳۹/ روم ۲۹-۳۱-۳۲/ ارتباط شرک با تفرقه/ مومنون ۵۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (۵۹)

این آیه شریفه دو فقره است یکی دستور به ادای امانات به صاحبانش و دیگر حکم به عدالت کردن، فقره دوم ارتباطش با آیات قبل روشن است، چون آیات قبل پیرامون حکم کردن یهود بنفع مشرکین و علیه مؤمنین دور می‌زد، در فقره دوم هم در باره همین معنا به عموم مردم خطاب نموده، می‌فرماید: وقتی در بین کسانی که اختلاف دارند حکم می‌کنید به عدالت حکم کنید.

آن چه در کتاب‌های آسمانی آمده بیانگر آیات خدا و معارف الهیه است، و این خود امانتی است که خدای تعالی به اهل هر کتابی سپرده و از آنان میثاق گرفته که به گوش مردمش برسانند، و از اهلش کتمان نکنند.

در الگوی مدیریت غربی قدرت مادی و ثروت، ملاک حاکمیت و مسئولیت است و در واقع مدیر عامل یک سازمان و یا رهبر حاکم، بعنوان یک استراتژیست تصمیم نهائی را اتخاذ می‌کند

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی عدم پایداری در الگو قرار دادن امام است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد پیروی و تبعیت از پیامبران، ائمه معصومین و بندگان صالح و هدایت یافته است چنانچه می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَقْتَدَهُ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۹۰) انعام

آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده پس به هدایت آنان اقتدا کن! (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی از شما نمی‌طلبم! این (رسالت)، چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست! (این وظیفه من است)» (۹۰)

آیه شریفه دلالت خواهد کرد بر اینکه در هر زمانی خدای تعالی دارای بنده و یا بندگانی است که موکل بر هدایت الهی اویند، و دین او و آن طریقه مستقیمی را که کتاب و حکم و نبوت انبیا (ع) متضمن آن است حفظ می‌کنند، و آن را از انقراض نگهداری می‌نمایند، و این بندگان کسانی هستند که شرک و ظلم به ایشان راه نداشته و به عصمتی الهی معصومند، و آنان عبارتند از انبیا و جانشینان ایشان. از این روی، آیه

شریفه مخصوص به معصومین (ع) خواهد بود، خیلی هم که بتوانیم آن را توسعه دهیم ممکن است مؤمنین صالح و آن پارسایانی را که به عصمت تقوا و صلاح و ایمان خالص از شوائب شرک و ظلم معتصمند و خلاصه آن کسانی را که به مصداق آیه شریفه " إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ " «۱» از ولایت شیطان بیرون شده‌اند ملحق به اوصیای انبیا (ع) نموده و بگوییم آیه شریفه شامل اینگونه از مردان صالح نیز می‌شود. " أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبُهْدَاهُمْ أَقْتَدَهُ ... "

در اینجا به تعریف ایشان پرداخته و طوری ایشان را تعریف می‌کند که در حقیقت هدایت الهی را تعریف کرده، زیرا این هدایت الهی است که مردانی چنین بار آورده.

آری، هدایت و راهنمایی خدای تعالی آدمی را به هدف می‌رساند، و از اثرش که همان ایصال به مطلوب است تخلف نمی‌پذیرد، هم چنان که فرموده: " فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ " «۱».

در الگوی مدیریت غربی الگوهای رهبری از صفات و ویژگیهای مؤمنین صالح و آن پارسایانی را که به عصمت تقوا و صلاح و ایمان خالص از شوائب شرک و ظلم معتصمند برخوردار نمی‌باشند

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی عدم اعتماد به نفس است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد توکل و اعتماد به خداوند است که باعث می‌شود از هیچ چیز و هیچ کس جز او در قلب خود ترس و عدم اطمینانی حس نکنیم چنانچه می‌فرماید:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْلَعُونَ أَحَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳۹) احزاب

(پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش‌دهنده اعمال آنها) است! (۳۹)

کلمه " خشیه " به معنای تاثیر مخصوصی در قلب است، که از برخورد با ناملايمات دست می‌دهد، و ای بسا به آن چیزی هم که سبب تاثیر قلب می‌شود خشیت بگویند، مثلا بگویند: " خشیت ان یفعل بی فلان کذا - می‌ترسیدم فلانی با من فلان کار را بکند " و انبیاء از خدا می‌ترسند، نه از غیر خدا، برای اینکه در نظر آنان هیچ مؤثری در عالم نیست مگر خدا.

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بُدْثُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (۵۸) فرقان

و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد و تسبیح و حمد او را بجا آور و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است! (۵۸) ۱۹

پس اینکه فرمود: " وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ " معنایش این می‌شود که خدای را در کار مردم وکیل بگیر، تا به هر چه بخواهد درباره آنان حکم کند و هر چه خواست با آنان انجام دهد. چون او وکیل بر مردم و بر همه موجودات است و اگر نفرمود: " و توکل علی الله " بلکه فرمود: " عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ " برای این بود که خواست به علت حکم هم اشاره کرده باشد، و بفهماند خدایی که حی است و هرگز نمی‌میرد از او چیزی فوت نمی‌شود. پس تنها او است که می‌تواند وکیل باشد.

در الگوی مدیریت راهبردی غرب اعتماد و اطمینان تنها با پشتیبانی های مادی و انسانی متصور است یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی ارج نهادن به مردم و حل مشکلات آنها است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد تکیه بر برنامه ها و آئین درخشان اسلامی است و عدم اعتماد به بیگانگان و اهمیت تبیین بد خواهی های آشکار و پنهان آنها است چنانچه می‌فرماید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۱۰) ال عمران

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی)، ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)

(۱۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَ دُوًّا مَا عَسَيْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸) ال عمران

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (۱۱۸) و جمله "قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ" می‌رساند که دشمنی آنان نسبت به شما آن قدر زیاد است که نمی‌توانند پنهان بدارند. بلکه دشمنی باطنیشان در لحن کلامشان اثر گذاشته است. پس در حقیقت در این جمله کنایه‌ای لطیف بکار رفته، و آن گاه بدون اینکه بیان کند، در دل‌های خود چه چیز پنهان کرده‌اند، فرموده: "وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ" تا اشاره کرده باشد، به اینکه آنچه در سینه دارند، قابل وصف نیست، چون هم متنوع و گوناگون است و هم آن قدر عظیم است که در وصف نمی‌گنجد، و همین مبهم آوردن "ما فی صدورهم" بزرگ و عظیم بودن را تایید می‌کند.^{۲۰}

در الگوی مدیریت راهبردی غرب اصل بر سود بیشتر و کسب ثروت و قدرت بیشتر است و اهمیت به مردم و مشکلات آنها تنها در این راستا معنی پذیر است

یکی از مشکلات و چالش‌های مدیریت راهبردی نسیان و خود فراموشی است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد یادآوری تجارب گذشته خود و دیگران می‌باشد و اینکه خداوند در هر حال بر هر امر تواناست چنانچه می‌فرماید:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴) بقره

ا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمائید با اینکه شما خودتان کتاب (آسمانی) را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟ (۴۴) سرتاسر داستان یهود پر است از عنایات ربانی، و الطاف الهی. و نیز بیادشان می‌آورد: آن میثاقها که از ایشان گرفت، و ایشان آنها را نقض کرده، و پشت سر انداختند، و باز گناهیانی را که مرتکب شدند، و جرائمی را که کسب کردند، و آثاریکه در دل‌هایشان پیدا شد، با اینکه کتابشان از آنها نهی کرده بود، و عقولشان نیز بر خلاف آن حکم میکرد، بیادشان می‌اندازد، و یاد آوریشان میکند: که بخاطر آن مخالفتها

^{۲۰} - ال عمران ۱۱۰-۱۱۸-۱۲۱/ اعراف آیه ۳۴* جائیه آیه ۲۸* سوره انعام آیه ۱۰۸* سوره غافر آیه ۵* فرماید: « ایها الناس انما یجمع الناس الرضا و السخط(نهج ۱۹۹)* آیه ۷۹ از سوره بقره / آیه ۱۱۲ از سوره آل عمران:

چگونه دلهاشان دچار قساوت ، و نفوسشان در معرض شقاوت قرار گرفت ، و چگونه مساعیشان بی نتیجه شد .

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (۴۱) انعام

(نه) بلکه تنها او را میخوانید و او اگر بخواهد مشکلی را که به خاطر آن او را خوانده‌اید بر طرف میسازد و آنچه را (امروز) شریک (خدا) قرار می‌دهید (آروز) فراموش می‌کنید. (۴۱)

گروهی در مورد پیامبر می‌گفتند اگر ادعایش حق است میبایستی پروردگارش یعنی همان کسی که او ما را به سویش دعوت میکند برای تشویق و یاریش معجزهای نازل کند که دلت بر صدق ادعایش داشته باشد. اینان معتقد بودند که خدایانشان هر کدام در امری که از امور جهان به آنها محول شده، مستقل در تأثیرند، و لیکن در عین حال معتقد بودند رب ارباب هرگز نمیتواند معجزهای را که دلت بر نفی الوهیت خدایان میکند به کسی نازل نموده، اختیارات خدایان را باطل سازد. اینان چنین اعتقادی داشتند، چیزهایی هم که از یهود درباره خداوند میشنیدند، آنان را در گمراهی و اشتباهشان تأیید و تشویق مینمود، از آن جمله این بود که یهود میگفتند: ید الله مغلوله - خدا دست بسته است، و بعد از ایجاد و به جریان انداختن نظام جاری در عالم اسباب، دیگر نمیتواند چیزی از آن نظام را به طور خرق عادت تغییر دهد. ۲۱

در الگوی مدیریت راهبردی غرب نیز نقش خدا در زندگی جاری مردم فراموش شده است و بین این مسائل و اعتقاد به خدا ارتباط نمی‌بینند

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی تحجر گرائی و مطلق اندیشی و انحراف فکری است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد تکیه بر عقل و نقل (قرآن و سنت) بمنظور دوری از خرافه‌ها است چنانچه می‌فرماید :

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آتَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْا كَانُوا آبَائِهِمْ لَوْ لَا يَعْقلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰) بقره

و هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌نمائیم، آیا نه این است که پدران آنها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند؟! (۱۷۰)

آراء و عقایدی که انسان برای خود انتخاب میکند، یا تنها افکاری نظری است که مستقیماً و بدون واسطه، هیچ ربطی به عمل ندارد، مانند ریاضیات و طبیعیات و علوم ماوراء الطبیعه و یا افکاری است عملی که سر و کارش مستقیماً با عمل است، مانند مسائل مربوط به خوبی و بدی اعمال و اینکه چه عملی را باید کرد؟ و چه عملی را نباید کرد؟ در قسم اول راه تشخیص افکار صحیح از افکار و عقاید ناصحیح، تنها پیروی علم و یقینی است که از راه برهان و یا حس دست می‌دهد. و در قسم دوم راه منحصر در تجربه است، یعنی آن عملی را صحیح بدانیم که ببینیم سعادت انسان را تامین میکند و یا حداقل در تامین آن نافع است و آن عملی را باطل بدانیم، که ببینیم یا به شقاوت آدمی منجر میشود و یا سعادتش مضر است و اما در قسم اول، اعتقاد به آنچه علم به حقانیتش نداریم، و در قسم دوم اعتقاد به آنچه نمیدانیم خیر است یا شر، چنین اعتقاداتی جزء خرافات است. و آدمی از این نظر که آراءش همه باقتضای فطرش منتهی میشود، فطرتی که از علل هر چیز جستجو میکند و نیز به اقتضای طبیعتش منتهی میشود که او را وادار به استكمال نموده، به سوی آنچه کمال حقیقی اوست سوقش میدهد، هرگز حاضر نیست خود را تسلیم آراء خرافی کند و در برابر هر خرافه‌های، کورکورانه و جاهلانه خاضع شود.

در الگوی مدیریت غربی اعتقاد به آزمایش و تجربه تا آن حد است که در وجود حقایق معنوی دچار سر در گمی شده اند و به علت خیال، وهم و ظن در وجود حقیقت دچار خرافه پرستی با تعریف فوق شده اند

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی غفلت از شیطنتهای دشمن است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد پرداختن به دشمنان نزدیکتر و غفلت نکردن از آنهاست چنانچه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ
(۱۲۳) توبه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافرانی که به شما نزدیکترند پیکار کنید (و دشمن دورتر شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند) و آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند، و بدانید خداوند با پرهیزکاران است. (۱۲۳)

اگر در این آیات حکم به وجوب تبری از دشمنان خدا و حرمت دوستی با آنان نموده، این حکم اختصاص به یک نحو دوستی و یا دوستی با یک عده معینی ندارد، بلکه همه انحاء دوستی را شامل میشود، خواه تولی به سبب استغفار باشد یا به غیر آن و خواه دشمن، مشرک یا کافر و یا منافق و یا غیر آنها از قبیل اهل بدعتی که منکر آیات خدا هستند باشد و یا نسبت به پاره‌ای از گناهان کبیره از قبیل محاربه با خدا و رسول اصرار داشته باشد.

در الگوی مدیریت غربی چنانکه مشاهده می‌شود سیاست در دست یازیدن به منافع و منابع کشورهای دور از مرزهای خویش به بهانه حفظ منافع ملی خود است

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی دلبستگی به تحلیلها و دیدگاههای بیگانگان است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد دوستی و دلبستگی بر مبنای اعتقادات و ایمان به آن و هشیار بودن از ظاهر سازی های بیگانگان است چنانچه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَتَيْتُمْ قَدَّ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۗ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸) ال عمران

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شر و فساد در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (۱۱۸)

جمله " قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ " می‌رساند که دشمنی آنان نسبت به شما آن قدر زیاد است که نمی‌توانند پنهان بدارند. بلکه دشمنی باطنیشان در لحن کلامشان اثر گذاشته است. پس در حقیقت در این جمله کنایه‌ای لطیف بکار رفته، و آن گاه بدون اینکه بیان کند، در دل‌های خود چه چیز پنهان کرده‌اند، فرموده: " و مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ " تا اشاره کرده باشد، به اینکه آنچه در سینه دارند، قابل وصف نیست،

چون هم متنوع و گوناگون است و هم آن قدر عظیم است که در وصف نمی‌گنجد، و همین مبهم آوردن " ما فی صدورهم " بزرگ و عظیم بودن را تایید می‌کند.^{۲۲}

در الگوی مدیریت غربی ملاک دوستی ها منافع و قدرت برتر است و در راه رسیدن به هدف خود از هیچگونه پیمان و اتحاد ابا ندارند

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی سیاست زدگی و دور بودن از تقوی است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد تقوی و پرهیزکاری در هر موقعیت است ولو در مقابل گروه مخالف و مسائل شخصی باشد چنانچه می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ ۸ مائده

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است و از خدا پرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.(۸)

یک سلسله خطابهائی است به مومنین که در آنها کلیاتی از امور مهم دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی آنان را بیان میکند. یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط، و یجرمنکم شنان قوم علی ا تعدلوا این آیه شریفه نظیر آیه ای است که در سوره نساء آمده است میفرماید: یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله، و لو علی انفسکم او الوالدین و اقربین ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلوا او تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیرا. <۱> با این تفاوت که آیه سوره نساء در مقام نهی از انحراف از راه حق و عدالت در خصوص شهادت است، و میفرماید: که هوای نفس شما را به انحراف نکشاند، مثلا به نفع کسی به خاطر اینکه قوم و خویش شما است بر خلاف حق شهادت ندهید، (و یا به نفع فقیری به خاطر دلسوزیتان و به نفع توانگری به طمع پول او شهادت بنا حق ندهید)، ولی آیه مورد بحث در مقام شهادت بنا حق دادن علیه کسی است به انگیزه بغضی که شاهد نسبت به مشهود علیه دارد، به این وسیله یعنی با از بین بردن حقش انتقام و داغ دلی گرفته باشد.

^{۲۲} - ال عمران ۱۱۰-۱۱۸-۱۲۱/ اعراف آیه ۳۴* جائیه آیه ۲۸* سوره انعام آیه ۱۰۸* سوره غافر آیه ۵* فرماید: « ایها الناس انما یجمع الناس الرضا و السخط(نهج ۱۹۹)*آیه ۷۹ از سوره بقره /آیه ۱۱۲ از سوره آل عمران :

در الگوی مدیریت غربی معیار منافع مادی و سود آوری است و هرگاه موضع گیری در راستای این هدف باشد صحیح است و در غیر اینصورت اصطلاحاً ناعادلانه می باشد

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی یاس و نومی در دستیابی به اهداف است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد امید به رحمت خداوند و اجابت دعا توسط اوست که از نزدیکی به او حاصل می شود چنانچه می فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۱۸۶) بقره

و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند بگو) من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند). (۱۸۶)

این آیه در افاده مضمونش بهترین اسلوب و لطیفترین و زیباترین معنا را برای دعا دارد . او : اساس گفتار را بر تکلم وحده (من چنین و چنانم) قرار داده ، نه غیبت (خدا چنین و چنان است) ، و نه سیاقی دیگر نظیر غیبت ، و این سیاق دلت دارد بر اینکه خدای تعالی نسبت به مضمون آیه کمال عنایت را دارد . و ثانیاً : تعبیر فرموده به (عبادی بندگانم) ، و نفرمود (ناس مردم) و یا تعبیری دیگر نظیر آن و این نیز عنایت یاد شده را بیشتر میرساند . و ثالثاً : واسطه را انداخته ، و نفرموده : (در پاسخشان بگو چنین و چنان) بلکه فرمود : (چون بندگانم از تو سراغ مرا میگیرند من نزدیکم) . و رابعاً : جمله : (من نزدیکم) را با حرف (ان) که تاکید را میرساند موکد کرده و فرموده : (فانی قریب) پس به درستی که من نزدیکم . و خامساً : نزدیکی را با صفت بیان کرده و فرموده : (نزدیکم) نه با فعل ، (من نزدیک میشوم) تا ثبوت و دوام نزدیکی را برساند . و سادساً : در افاده اینکه دعا را مستجاب میکند تعبیر به مضارع آورد نه ماضی ، تا تجدد اجابت و استمرار آن را برساند . و سابعاً : وعده اجابت یعنی عبارت (اجابت میکنم دعای دعا کننده) را مقید کرد به قید (اذا دعان - در صورتی که مرا بخواند) با اینکه این قید چیزی جز خود مقید نیست ، چون مقید خواندن خدا است و قید هم همان خواندن خدا است و این دلت دارد بر اینکه دعوت داعی بدون هیچ شرطی و قیدی مستجاب است

در الگوی مدیریت راهبردی غربی اسباب و وسیله منحصر به امکانات مادی است و اعتقاد به اجابت الهی از مسائل راهبردی بعید و جدا فرض می شود.

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی عدم تدبیر در تربیت نیروها است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد آموزش و تربیت بعد از تزکیه و پاک سازی محمل علم است با تمسک به منبع حکمت الهی می باشد چنانچه می فرماید:

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ بقره ۱۵۱

همانگونه (که با تغییر قبله نعمت خود را بر شما کامل کردیم) رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را تزکیه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد، و آنچه نمی دانستید به شما یاد دهد. (۱۵۱)

پدید آمدن حقیقتی بنام اجتماع و سپس منشعب شدن آن به شعبه های گوناگون و اختلافها و چند گونگی آن بخاطر اختلاف طبیعت انسانها ، فقط و فقط یک عامل داشته و آن درکی بوده که خدای سبحان طبیعت انسانها را بان درک ملهم کرده ، درک باین معنا که حوائجش که اتفاقا همه در بقای او و به کمال رسیدنش مؤثرند یکی دو تا نیست تا خودش بتواند برفع همه آنها قیام کند ، بلکه باید اجتماعی تشکیل دهد ، و بدان پای بند شود ، تا در آن مهد تربیت و به کمک آن اجتماع در همه کارها و حرکات و سکناش موفق شود و یا به عبارتی همه آنها به نتیجه برسد و گر نه یکدست صدا ندارد . بعد از این درک ، به درکهای دیگر و یا عبارتی به صور ذهنیه ملهم شد که آن ادراکات و صور ذهنیه را محک و معیار در ماده و در حوائجی که به ماده دارد ، و در کارهایی که روی ماده انجام میدهد و در جهات آن کارها ، میزان قرار دهد و همه را با آن میزان بسنجد و در حقیقت آن ادراکات و آن میزان رابطهای میان طبیعت انسانی و میان افعال و حوائب انسان باشد ، مانند درک این معنا که چه چیز خوب است ؟ و چه چیز بد است ؟ چه کار باید کرد ؟ و چه کار نباید کرد ؟ و چه کار کردنش از نکردنش بهتر است ؟ و نیز مانند این درک که محتاج به این است که در نظام دادن به اجتماع ریاست و مرئوسیت ، و ملک و اختصاص و معاملات مشترک و

مختص و سایر قواعد و نوامیس عمومی و آداب و و رسوم قومی (که به اختلاف اقوام و مناطق و زمانها مختلف میشود) معتبر بشمارد و با آنها احترام بگذارد . ۲۳

در الگوی مدیریت راهبردی غرب یادگیری و انتقال علم منحصر به آزمایش ، تجربه و محسوسات می باشد

یکی از مشکلات و چالشهای مدیریت راهبردی عدم استقامت و قدرت است در این مورد ارزشی که در الگوی مدیریت راهبردی اسلامی وجود دارد پایبندی به راه با تکیه بر قدرت خداوند تواناست چنانچه می فرماید:

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶) ال عمران

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگ کردند، آنها هیچگاه در برابر آنچه در راه خدا به آنها می رسید سست نشدند، و ناتوان نگردیدند و تن به تسلیم ندادند و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد. ۱۴۶

فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲) هود

بنابراین همانگونه که فرمان یافته ای استقامت کن همچین کسانی که با تو به سوی خدا آمده اند و طغیان نکنید که خداوند آنچه را انجام می دهید می بیند (۱۱۲)

آیات مورد بحث به پیغمبرش دستور میدهد که او و هر که پیرو اوست از داستانها عبرت گیرند و برای خود کسب یقین کنند ، که شرک و فساد در زمین آدمی را جز به سوی هلاکت و انقراض رهنمون نمیشود ، لاجرم میبایستی دست از طریق عبودیت برداشته ، خویشتن داری و نماز را شعار خود سازند ، و بر ستمکاران رکون و اعتماد نکنند که اگر چنین کنند آتش آنان را خواهد گرفت ، و دیگر جز خدا یآوری نخواهند داشت ، و کسی به کمکشان نخواهد شتافت ، و باید بدانند که همیشه برد ، با خداست و منطق کفار همیشه منکوب و خوار است هر چند خدا صباحی مهلتشان میدهد ، جز برای این نیست که میخواهد

کلمه حق را که قضا و قدرش بر تثبت آن رانده شده استوار سازد (یعنی آنچه که ایشان ، در قوه دارند به فعلیت برسانند و حجت بر آنان تمام شود)^{۲۴}

در الگوی مدیریت راهبردی غرب طبعاً استقامت تا آنجا معنی می دهد که هدف فدا شونده از هدف غائی که آن خود اهداف مادی است ، کم اهمیت تر باشد و در غیر اینصورت فدا کاری و پایداری معنی ندارد .

نتیجه گیری و پیشنهاد

نتیجه گیری

از بعد اجتماعی چند نکته قابل ذکر است .

در فرایند تصمیم گیری در هر مرحله ممکن است انسان دچار انحراف و جهش غیر معقولانه شود و این مراحل از ساده ترین مراحل مانند حس ، تصور، تصدیق تا تفکر تخیل و توهم گسترده گدی دارد

در فرایند تصمیم گیری هرگاه افراد در مرحله فکر به تعقل رهنمون نشوند به محصولات ناقص و بین راهی بسنده می کنند این محصولات از جمله موهومات / مضمونات / ... می باشند اگر این غیر معقولات به دیگری یا دیگران منتقل شود خود بعنوان مشهورات و مقبولات در دریافتهای بعدی اجتماعی انسانها تاثیر گذار می شوند .

اگر انسان در مرحله تعقل به معیارهای اصیل و حقیقی (معیارهای ارائه شده توسط حقیقتی خود معیار- حق الحقوق) متکی شود در ارائه محصولات نهائی تصمیم و اراده اجتماعی دارای یکنواختی ، هماهنگی ، انسجام ، همسوئی، همگرایی ، یکپارچگی ، ... می شود و نهایتاً به حقایق دست می یابد .

اما اگر در مرحله تعقل به ملاکهای که بر گرفته از غیر خداوند باشد تکیه نماید دچار چندگانگی ، تفرقه ، دگر اندیشی، فرد گرایی ، خود خواهی ، تک نوازی ، و.. می گردد و متعاقباً به خرافات که مفهومی است در برابر حق دست می یازد .

به همین جهت است که قرآن در آیت الکرسی اولیاء طاغوت را بصورت صیقه جمع، و ولی ایمان آورندگان را بصورت واحد بیان نموده است. همچنین ظلمات نیز جمع و نور مفرد بکاربرده شده است بدین معنی که حقیقت واحد و یکپارچه و باطل متفرق و چند گانه است.

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من ظلمات الی النور

والذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات .

همه مراحل فرایند شناخت و تصمیم گیری که بیان شد توسط روح انسان هدایت و کنترل می شود چنانکه روح بطور کلی تحت عنوان روح کل در دو وادی روح عقل (روح نفس) و روح بدن عمل می کند. روح بدن در خوابیدن انسان فعالیت ندارد اما روح نفس بیدار است و فعال، حتی به دور دستها و مکانهای هرگز نرفته سفر می کند. در مرگ مغزی و مرگ قلبی نیز روح نفس هنوز فعال است. اما روح بدن ناتوان است.

این مطلب نیز لازم به توجه است که همانطور که تصمیم گیری مقدمه رفتار است رفتار نیز به نوبه خود بر عوامل تصمیم گیری تاثیر می گذارند که عمدتاً از طریق تکرار / ذکر / و تاثیر در ضمیر افراد می باشد در واقع رفتار از طریق و توسط حلقه آثار و باقیات و مصنوعات خود مجدداً در نقش محسوسات و بر حواس انسان تاثیر گذار است و به ترتیبی که گفته شد مجدداً حواس نقش خویش را در رفتار یا تصحیح و تجدید نظر در رفتار ایفا می کنند.

تلقینی که موجب رفتار می شود در همین ارتباط واقعیت می یابد و در تربیت اراده و نیت شخص برای انجام کار بسیار موثر است. تداعی معانی نیز به معنی بروز رابطه ای می باشد که آثار رفتار با سوابق درونی آن رفتار در درون شخص دارند.

در جمع بندی منشا تصمیم گیری عبارت است از که به تعبیر مختلف آورده می شود :

۱. احساس / حدس / عاطفه / خیال / تصور / خواب

۲. وهم / ظن / مشهورات / مقبولات / قراردادهای جامعه / دیگری / توصیه / تکلیف / تصور

۳. عقل / فطرت / حجت باطنه / الهام / شهود / اشراق / وحی

۴. ضمیر / وجدان / شاکله / قوه لوامه

۵. انگیزه / لذت / سود / قدرت / سعادت / قوه اماره

۶. اعتماد به دیگری / اطاعت پذیری / حجت ظاهره

بر اساس این عوامل مقایسه بین تاثیرات تفکر و تعقل مدیریت راهبردی و تاثیر آن در بر طرف سازی چالشهای مدیریت راهبردی صورت گرفت .

پیشنهاد :

در جمع بندی تجزیه و تحلیل ، نتیجه گیری و بررسی تفاوت فرایند تصمیم گیری در دو دیدگاه اسلام و سکولار مدل زیر بعنوان یک روند کامل ، همه جانبه و با در نظر گرفتن نقش عوامل تاثیر گذار معنوی در فرایند تصمیم گیری، بعنوان جوهره مدیریت راهبردی پیشنهاد می گردد.

مدل پیشنهادی فرایند تصمیم گیری مبتنی بر ارزشهای اسلامی

